تصویر صحت صوم «من یصیبه عطش» در انشائات طولی

کلام علامه و شهید اول در مساله

خب متن چیست؟ در تحریر و منتهی به این صورت آمده:

> **۱۶۶۵. السادس: [قول الصادق عليه السّلام فيمن سأله عن الصائم يصيبه عطش حتّى يخاف على نفسه] روى السابّاطي عن الصادق عليه السّلام: «و قد سأله عن الصائم يصيبه عطش حتّى يخاف على نفسه، قال: يشرب بقدر ما يمسك رمقه، و لا يشرب حتّى يروي» و هي جيّدة، و الأقرب عدم وجوب القضاء. و لو شرب زيادة على ما يمسك، به الرمق، وجب القضاء و الكفار[1]**

«و قد سأله عن الصائم يصيبه عطش»؛ نمی‌گوید ذو العطاش است. بلکه صائم است و کار زیادی کرده بود و ناچار شده، «یصیبه العطش». چه کار کند؟ **«حتّى يخاف على نفسه، قال: يشرب بقدر ما يمسك رمقه»؛** اندازه‌ای که نمی‌رد آب بخورد. **«و لا يشرب حتّى يروي»**؛ آب را که خورد به قدری نخورد که سیراب شود. امام علیه‌السلام فرمودند به اندازه‌ای که نمی‌رد بخورد. خب علامه این را منتهی فرمودهاند و بعد فرمودهاند: **«و الرواية منا سبة للمذهب، لأنّه في محل الضرورة»[2].**

اینجا منظور من است: **«و هي جيّدة، و الأقرب عدم وجوب القضاء»؛** همانی که الآن در عروه همه خلاف آن را می‌گویند. خب تشنه شد و نزدیک مردن شد، خب واجب است که آب بخوری اما شیشه ی روزه شکست. علامه فرمودند اینکه به اندازه ضرورت خورد، روزه اش قضا ندارد. **«و لو شرب زيادة على ما يمسك به الرمق، وجب القضاء و الكفار»؛** چون عمداً خورده است. آن یکی اصلاً قضاء ندارد، این هر دو را دارد. این از تحریر بود.

در منتهی هم همینطور است، فرمودهاند:

> **السادس: روى الشيخ عن عمّار الساباطيّ قال: سألت أبا عبد اللّه عليه السّلام عن الصائم يصيبه عطش حتّى يخاف على نفسه،**
>
> **قال: «يشرب بقدر ما يمسك رمقه و لا يشرب حتّى يروى». و الرواية منا سبة للمذهب، لأنّه في محلّ الضرورة. إذا ثبت هذا، فهل يجب عليه القضاء أم لا؟ الوجه عدم الوجوب؛لأنّه إذا شرب بقدر ما يمسك رمقه مخافة التلف، كان بمنزلة المكره. و لأنّ التكليف يسقط حينئذ و لا يجوز له التعدّي، فلو شرب زيادة على ذلك، وجب عليه القضاء و الكفّارة[3]**

«... لأنّه إذا شرب بقدر ما يمسك رمقه مخافة التلف، كان بمنزلة المكره. و لأن التكليف يسقط حينئذ»؛ ببینید میگویند تکلیف رفت. یعنی نگاه حکم وضعی در ذهن ایشان کنار رفته است. دیگر تکلیفی نسبت به وجوب امساک ندارد. خب وقتی تکلیف رفت، حکم وضعی شکستن شیشه را چه کار میکنید؟

ایشان (یکی از شاگردان) فرمودند عوام، شهید اول که شبهه اعلمیت دارند همین عبارت علامه حلی را دیدهاند. در درس به این صورت فرمودهاند:

> **و لو أفطر لخوف التلف فالأقرب القضاء، و في الرواية يشرب ما يمسك الرمق خاصّة،و فيها دلالة على بقاء الصوم و عدم وجوب القضاء كما اختاره الفاضل »[4]**

«و لو أفطر لخوف التلف فالأقرب القضاء»؛ اقرب این است که روزه باطل شده، ولی گناه نکرده است. این را شهید اول فرمودهاند. **«و في الرواية يشرب ما يمسك الرمق خاصّة، و فيها»**؛ اگر به این روایت نگاه کنید: **«دلالة على بقاء الصوم»**؛ این روایت میگوید با اینکه آب خورد هنوز صوم باقی است. خب حکم وضعی را که شکست! شهید میگویند و درست هم هست. کما اینکه علامه فتوا دادند. **«و عدم وجوب القضاء كما اختاره الفاضل »**؛ علامه حلی هم طبق همین حدیث فتوا دادهاند؛ ولی ایشان میگویند با این یک روایت نمیتوان مقابل حکم وضعی و ارتکازی که داریم، بروید؛ بلکه روزه باطل شده ولی گناه نکردی. چرا بیشتر نخورد؟ **احتراماً** نخورد. من به این خاطر که روزه باطل نیست. فرمایش شهید را میگویم. ایشان میفرمایند اینکه حضرت فرمودند بیشتر نخورد به این خاطر نیست که روزه باقی است، بلکه روزه باطل شده. لذا اگر خورد کفاره ندارد. طبق نظر علامه حلی کفاره دارد. چرا؟ چون اگر به اندازه رمق بخورد روزه هنوز باطل نیست؛ به محض اینکه زیادتر میخورد عمداً افطار کرده است. هم قضا دارد و هم کفاره دارد. شهید اول چه میگویند؟ میگویند وقتی خورد روزه باطل شده است. احتراماً و تکلیفا نباید بیشتر بخورد ولی اگر خورد خورده است و کفاره ندارد. او که روزه نبوده.

شاگرد: اگر عمداً خورد، به چه عنوانی قضاء بر او واجب است؟ روزه شکسته شده است.

استاد: اگر گفتیم حکم وضعی احترام صوم، در آن انشائی که در مرتبه خودش است، احکام وضعیه ی دیگری در طولش نیست، همین حرف شهید درست است. یعنی ما پذیرفته‌ایم که شارع در ذهن متشرعه - نه فقط مقلدین - کاری کرده که حکم احترام وضعی برای صوم هست. این همان فرمایش شهید است. شهید که مقلد نبودند.

شاگرد: روزه شکسته شد. پس تکوینی می‌شود. اما اینکه احتراماً نباید بخورد، مطلبی است. اما اگر عمداً خورد از تشریعی خارج می‌شود و تکوینی می‌شود. چون شکسته شده است.

استاد: منظورتان از تکوینی این است که الآن خدای متعال یک چیزی را شکاند؟

شاگرد: یعنی روزه باطل شد.

استاد: یعنی شارع نمی‌تواند بگوید من این را صحیح به حساب می‌آورم؟!

شاگرد: عمداً خورده.

استاد: بله، عمداً خورده.

شاگرد: کسی قائل نیست که صحیح است.

استاد: محقق ثانی چه گفتند؟ گفتند اگر عمداً خورد صوم هنوز باقی است و لذا اگر دفعه بعدی بخورد دوباره باید کفاره بدهد. اصلاً دیدی محقق ثانی همین بود. ایشان به این صورت نگاه کرده‌اند.

> 40:11

خب حالا دو مرحله حکم وضعی در اینجا تصور دارد یا ندارد؟ به گمانم اگر فکر کنیم می‌شود. یعنی شارع مقدس به لحاظ اغراض، انشاءً در طول هم، حکم‌های وضعی و تکلیفی را متناسب با اغراض خودش قرار داده و طبق هر کدام تشویق می‌کند یا چوب می‌زند. مهمتر این است که این احکام وضعی و احکام تکلیفی، تنها منحصر در بود و نبود نیست که بگوییم حکم هست یا نیست. بلکه حیثیات متعددی از تشریع در اینجا موجود است. یعنی یک حکم وضعی‌ای هست که فقط برای این غرض و در محدوده این تکالیف، وضعیتش ثابت است. اما همینجا اگر مثلاً به محدوده اعذار برویم - مثل کسی که عطش دارد - برای او این حکم وضعی چه حالی دارد؟ اغراضی که منشأ آن حکم وضعی بود، در خصوص این اقدام، برای او نیست. شارع چه کار می‌کند؟ شارع در طول آن حکم وضعی یک حکم وضعی دیگری متناسب با او قرار می‌دهد؛

---

[1] تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية (ط - الحديثة)؛ ج۱، ص: ۴۸۰

[2] منتهى المطلب في تحقيق المذهب؛ ج۹، ص: ۱۳۹

[3] همان

[4] الدروس الشرعية في فقه الإمامية؛ ج۱، ص: ۲۷۶

بازبینی #1
ایجاد شده 2 مه 2026 15:28:55 توسط ... .
به روزرسانی شده 2 مه 2026 15:33:53 توسط ... .